# فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc429924684)

[ابعاد زندگی و شخصیت حضرت ابراهیم (ع) 2](#_Toc429924685)

[تولد ابراهیم 2](#_Toc429924686)

[نیای ابراهیم علیه‌السلام 3](#_Toc429924687)

[فراخوان یکتاپرستی 3](#_Toc429924688)

[یک پیشنهاد، یک فرصت 3](#_Toc429924689)

[رنج‌های ابراهیم 4](#_Toc429924690)

[هجرت‌ها و محنت‌ها 4](#_Toc429924691)

[مرد کار و کمال 4](#_Toc429924692)

[پدر پیامبران 5](#_Toc429924693)

[راز خلیل‌الله 5](#_Toc429924694)

[بنده کامل 6](#_Toc429924695)

[مهمان‌دوستی حضرت ابراهیم 6](#_Toc429924696)

[ابراهیم علیه‌السلام در قرآن 6](#_Toc429924697)

[خلیل در کلام جلیل 6](#_Toc429924698)

[خطبه دوم 7](#_Toc429924699)

[بهره گیری از ماه رمضان 7](#_Toc429924700)

[ویژگی‌های ماه رمضان 8](#_Toc429924701)

[شهید آیت‌الله مدرس 8](#_Toc429924702)

[شجاعت مدرس 9](#_Toc429924703)

[زهد و قناعت 9](#_Toc429924704)

[سیاست مدرس 10](#_Toc429924705)

[حاضرجوابی مدرس 10](#_Toc429924706)

[فقر و اختلافات طبقاتی 10](#_Toc429924707)

[تأثیر افزایش اختلاف طبقاتی برافزایش جرم و بزهکاری 11](#_Toc429924708)

[دعا 12](#_Toc429924709)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2)» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# ابعاد زندگی و شخصیت حضرت ابراهیم (ع)

اولین روز از ماه ذی‌حجه، آخرین ماه از سال قمری، یادآور تولد بزرگ پیامبر الهی، ابراهیم خلیل علیه‌السلام است؛ او که با گذر از آزمایش‌های دشوار پروردگار، سربلند و سرافراز، جایگاه پیشوایی مردمان را شایسته گردید و اسوه ای نیکو و کامل برای ره پویان کوی حضرت دوست معرفی شد.

ابراهیم علیه‌السلام، شهر به‌ظاهر باشکوه بابل را که مردمانش غرق در گمراهی و تباهی بودند، به‌سوی نور و یکتاپرستی فراخواند و خود تا آخرین لحظه از عمر پربارش، دست از این دعوت برنداشت و با هجرت به دیار دیگر و تحمل مشقت‌های بسیار، مردانه بر عهدی که با پروردگارش بسته بود، ایستاد.

# تولد ابراهیم

سال تولد حضرت ابراهیم علیه‌السلام را قرن هفدهم قبل از میلاد مسیح علیه‌السلام بیان کرده‌اند. همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده که بین حضرت نوح علیه‌السلام و ابراهیم خلیل علیه‌السلام هزار سال فاصله بوده است.

محل تولد ایشان، شهر بابل، در سرزمین بین‌النهرین (میان دجله و فرات) در عراق کنونی قرار داشته است. تولد آن بزرگوار، در میان موجی از ترس و واهمه موجود در جامعه نمرودی آن زمان اتفاق افتاد؛ زمانه‌ای که نمرود، پادشاه ستمگر بابل را بر اساس پیشگویی‌ها و خواب‌ها، بر کشتن تمامی نوزادان پسر وا‌می‌داشت.

# نیای ابراهیم علیه‌السلام

ابراهیم فرزند تارخ، از نوادگان نوح پیامبر علیه‌السلام است. هنوز دیدگان نوزاد به سرای جدید گشوده نشده بود که پدر از دنیا رفت و آزر، عموی او، سرپرستی وی را بر عهده گرفت و این سبب شد که ابراهیم علیه‌السلام او را پدر بنامد.

مادر ابراهیم، بانویی شجاع و پاک به نام بونا بود. بر اساس بعضی از روایات، مادر لوط، مادر ساره، همسر ابراهیم و نیز مادر ابراهیم علیه‌السلام هر سه خواهر و دختران یکی از پیامبران به نام لاحَج بوده‌اند.

# فراخوان یکتاپرستی

بزرگ منادی توحید، ابراهیم خلیل، مردمان شهر بابل را به شیوه‌های گوناگون به‌سوی خداوند یکتا رهنمون می‌شد؛ گاه از مناظره بهره می‌جست و گاهی از شیوه‌های شنیداری و دیداری چون نمایاندن افول ستارگان برای ستاره‌پرستان استفاده می‌کرد. مردم جاهل و ایمان گریز بابل، در مقابل پیشنهاد رستگاری، به‌جای سپاس و امتنان، ابراهیم را تهدید به کشتن و سوزاندن می‌کردند و آنچه بیشتر بر این جریان دامن می‌زد، لجاجت عموی ابراهیم خلیل علیه‌السلام آزر بود.

# یک پیشنهاد، یک فرصت

حضرت ابراهیم علیه‌السلام برای راهنمایی هم شهریان خود، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و هماره در پی یافتن راهی مناسب برای رسیدن به این هدف بود.

روزی، آزر، عموی او چنین گفت: ابراهیم، گذران زندگی با حرف‌هایی که تو می‌زنی ممکن نیست، بهتر است مانند دیگر برادرانت، حرفه‌ای بجویی و با آن امرارمعاش کنی. پیشنهاد می‌کنم بت‌هایی را که ساخته‌ام، به بازار بری و از فروش آن سودی به دست آوری.

ابراهیم علیه‌السلام پیشنهاد مشرکانه عمو را، فرصتی برای دعوت به توحید یافت و آن را پذیرفت. او، ریسمان برپاهای بتان بسته و آن‌ها را در آب و لجن و خس و خاشاک می‌کشید و در برابر دیدگان حیرت‌زده مردم شهر، با صدایی بلند خطاب به بتان می‌گفت: از آن‌ها آب گندیده بنوشید و سخن نگویید. چه کسی حاضر است برای چیزی پول هزینه کند که نه سودی دارد و نه زیانی؟ او با این شیوه، در عمل بیهودگی و ناتوانی خدایان مردمْ گزیده را به همه نشان می‌داد.

# رنج‌های ابراهیم

حضرت ابراهیم علیه‌السلام درراه دعوت به توحید، پذیرای رنج‌ها و مشکلات فراوانی شد. تحقیر و تهدید از سوی نمرودیان، افتادن در آتشی که به دستور پروردگار به گلستانی تبدیل شد، تبعید و حکم به مصادره اموال و...، هیچ‌یک نتوانست او را از راهی که در پیش‌گرفته بود، بازدارد. زمزمه‌های عاشقانه او درراه هجرت به سرزمین کنعان و ترک شهر و دیارش باخدایی که همه هستی او بود، شنیدنی است: خدایا، ما بر تو توکل کردیم و اعتماد نمودیم. از خلق بریدیم و به تو پیوستیم و به‌سوی تو بازگشتیم که بازگشت همه به‌سوی توست. خدایا، ما را مایه فتنه و مورد بلای مردمان کافر قرار نده و از خطاهایمان درگذر.

# هجرت‌ها و محنت‌ها

نمرود، وجود حضرت خلیل علیه‌السلام را خللی بزرگ در فرمانروایی خودیافت و حکم اخراج او را از سرزمین بابل صادر کرد. حضرت ابراهیم علیه‌السلام که با ساره ازدواج‌کرده بود، به همراه لوط و عده‌ای اندک از پیروانش، آماده ترک بابل شده، به‌سوی سرزمین شام که در آن زمان کنعان نامیده می‌شد، حرکت کرد. ایشان پس از بروز قحطی در آن سرزمین و مهاجرت دسته‌جمعی مردم، به‌طرف مصر روانه شد و پس از چندی، ازآنجا راهی فلسطین گردید.

# مرد کار و کمال

در مدتی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام در بابل به سر می‌برد، از طرف پدر ساره، همسرش، زمین‌های کشاورزی و گوسفندان بسیاری به او رسید. آن حضرت، با تلاش بسیار، ضمن دعوت مردم به توحید، از کار و کوشش بازنماند و به موفقیت‌های خوبی دست‌یافت.

با صدور حکم اخراج ابراهیم علیه‌السلام، اموال او نیز توقیف شد و ماجرا به دادگاه آن‌وقت کشیده شد. ابراهیم علیه‌السلام در دادگاه، خطاب به قاضی چنین گفت: من و همسرم سال‌ها زحمت‌کشیده‌ایم تا این اموال را به دست آورده‌ایم. اگر می‌خواهید اموالم را مصادره کنید، باید سال‌های عمرم را که صرف به دست آوردن این اموال شده، به من برگردانید. قاضی در مقابل استدلال منطقی ابراهیم علیه‌السلام عقب‌نشینی کرد و رأی را به نفع او صادر کرده، از مصادره اموال صرف‌نظر نمود.

# پدر پیامبران

ابراهیم علیه‌السلام، نزد پیروان ادیان یهود، مسیحیت و اسلام، از جایگاهی والا برخوردار است و او را پدر پیامبران می‌خوانند. حضرت ابراهیم دو پسر به نام‌های اسماعیل و اسحاق داشت که خداوند آن‌ها را به پیامبری برگزید. اسماعیل جد رسول اکرم صلی‌الله علیه و اله و بزرگ اعراب حجاز است. بر این اساس قرآن کریم، حضرت ابراهیم را پدر اعراب خوانده است.

اسحاق نیز دارای فرزندی به نام یعقوب گردید که لقب اسرائیل دارد و نسل‌های بنی‌اسرائیل، منتسب به او هستند. در آیات 84 تا 86 سوره انعام نیز، چنین انتسابی بیان‌شده است.

# راز خلیل‌الله

درباره راز خلیل گردیدن حضرت ابراهیم علیه‌السلام دلایل متعددی در روایات بیان‌شده که جمع همه آن‌ها می‌تواند پرده از این راز بگشاید. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: اگر خدای تعالی ابراهیم را خلیل و دوست خود گرفت، برای این بود که نه هیچ نیازمندی را محروم می‌ساخت و نه از کسی جز خداوند چیزی می‌طلبید. همچنین آن حضرت می‌فرماید: اگر خداوند ابراهیم را به‌عنوان خلیل و دوست خود برگزیده، نه دلیل نیاز به دوستی با او بود، بلکه ابراهیم بنده خوب خدا و کوشا درراه رضای او بود.

سجده‌های بسیار، سیر کردن گرسنگان، نماز در دل شب و کوشش فراوان در مسیر بندگی خداوند، از دیگر دلایلی است که در روایات برای خلیل شدن حضرت ابراهیم علیه‌السلام ذکرشده است.

# بنده کامل

حضرت ابراهیم علیه‌السلام، انسانی کامل و مجموعه‌ای از همه ارزش‌های والای انسانی بود. آن حضرت، صبح گاهی برخاست و در صورت خود موی سپیدی دید که خبر از پیری او می‌داد. در این هنگام، ابراهیم علیه‌السلام نگاهی بر آن انداخت و گفت: سپاس خدایی را که در حالی مرا به این سنین رسانید که در تمام این مدت، به‌اندازه چشم برهم زدنی، او را نافرمانی نکردم.

# مهمان‌دوستی حضرت ابراهیم

یکی از ویژگی‌های برجسته حضرت ابراهیم علیه‌السلام مهمان‌دوستی بود، تا آنجا که از خانه بیرون آمده و به جست‌وجوی مهمان می‌پرداخت.

روزی پنج نفر به خانه ابراهیم آمدند. ابراهیم باآنکه آنان را نمی‌شناخت، گوساله‌ای ذبح کرد و برای آنان غذای مفصلی فراهم آورد. مهمانان گفتند: ما از این غذا نمی‌خوریم تا اینکه بهای گوساله‌ای را که کشته‌ای به ما بگویی؟ ابراهیم فرمود: قیمت این غذا، گفتن نام خدا در آغاز و سپاس او در پایان سفره است. جبرئیل، بزرگ فرشتگان، به همراهان خود گفت: سزاوار است که خداوند این نکو مرد را دوست و خلیل خود برگزیند. پس ابراهیم دریافت که آنان فرشتگان خداوند و مأموران اعزامی او هستند.

# ابراهیم علیه‌السلام در قرآن

نام ابراهیم در قرآن کریم، 69 بار آمده و در 25 سوره قرآن، بخش‌هایی برجسته از زندگی آن پیامبر بزرگ، نقل‌شده است. یک سوره از قرآن نیز، به نام آن حضرت هست. این کتاب بی‌مانند و سترگ آسمانی، تأکید ویژه‌ای بر بیان شخصیت بت‌شکن بزرگ تاریخ داشته و مسلمانان را به بررسی و مطالعه زندگی او فرامی‌خواند، تا همگی او را شناخته و الگوی خود سازند و در زندگی، از مکتب پرمایه و سازنده‌اش، الهام بگیرند و در پرتو آن، انسانی قویدل، قاطع، شجاع و خداپرست مخلص گردند.

# خلیل در کلام جلیل

پروردگار متعال، در وصف حضرت ابراهیم و بیان ویژگی‌های آن بزرگوار، در آیات 120 تا 122 سوره نحل، چنین می‌فرماید: به‌راستی ابراهیم، امتی مطیع خدا و فردی حق جو بود. او به خدا شرک نمی‌ورزید و نعمت‌های خدا را سپاس می‌گفت. خدا او را برگزید و به راه راست هدایت کرد. ما در دنیا به او سعادت دادیم و در آخرت در شمار صالحان و شایستگان خواهد بود. خداوند، در این آیات، ابراهیم علیه‌السلام را به‌عنوان امت معرفی می‌کند؛ زیرا او جامع همه کمال‌های پسندیده بود.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[3]](#footnote-3)» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# بهره گیری از ماه رمضان

بیایید در این ماه، بکوشیم روزه‌داری مخلص باشیم تا سعادتمند شویم و تصمیم بگیریم در این رمضان، توشه‌ای نیک برگیریم. بیایید در این رمضان، باهمت و تلاش برای خدا و آخرت، رستگاری را از خدا طلب کنیم و در این رمضان، باکار و تلاش، جهاد کنیم و باکار و همت خود، موقعیت اجتماعی خود را تثبیت کنیم. بیایید در این رمضان، از کم‌کاری و سستی دور شویم تا از غم و اندوه رهایی یابیم، بکوشیم در این رمضان، باهمت و تلاش عبادت کنیم و بزرگوار باشیم و باهمت و کار بیشتر، بزرگوارتر شویم و چنان کارکنیم که دستانمان از آتش دوزخ دور شود.

هرچه روزه‌دار، ماه مبارک رمضان را بشناسد و از ژرفای رسالت آن باخبر باشد، بهتر و بیشتر از آن استفاده خواهد کرد و خویشتن را پرورش خواهد داد. اگر نگاه شخص به ماه مبارک رمضان و کارایی‌اش محدود باشد، بهره او نیز از این ماه، محدود خواهد بود. بنابراین، نخستین شرط دست‌یابی کامل به ثمره‌های ماه مبارک رمضان، اصلاح و توسعه نگاه به آن است. در سخنان بزرگان، از نگاه سطحی به این ماه شریف تا نگاه ژرف به آن یادشده است، تا نگاه روزه‌دار به مدد این راهنمایی اصلاح شود و توسعه یابد.

# ویژگی‌های ماه رمضان

ماه رمضان، ماه تعاون، همیاری، صله‌ی رحم، دستگیری از بینوایان، زدودن کینه‌ها، دوری از کبر و خودخواهی و ماه عمل به صفات حسنه و بریدن از ناپسندی‌هاست. ماه رمضان، گریان و داغدار از بزرگ‌ترین مصیبتی است که عالم انسانی به خود دیده است، ماه شهادت و عزای مولای متقیان، علی (ع) است. این‌همه ویژگی که ماه رمضان در خود جای‌داده، سبب شده است که این ماه مبارک در فرهنگ دینی و ادب رسمی و فرهنگ شفاهی مسلمانان به‌ویژه ایرانیان جایگاه ممتازی داشته باشد.

# شهید آیت‌الله مدرس

فقید مجاهد و عالم پرهیزکار، آیت‌الله سید حسن مدرس، از چهره‌های درخشان تاریخ تشیع به شمار می‌رود که زندگی و اخلاق و رفتار و اندیشه‌ها و راهکارهای سیاسی و اجتماعی وی برای مشتاقان حق و حقیقت، الگوی بسیار مناسبی است. وی همه زندگی و امکانات خود را درراه اعتلای اسلام نثار کرد و درراه نشر حقایق اسلامی و دفاع از آموزه‌های تشیع، مردانه و استوار ایستاد. وی با عزمی راسخ، چون کوهی استوار در مقابل ستمگران عصر به مقابله برخاست و سلطه گری استعمارگران را افشا کرد.

آیت‌الله مدرس، بزرگ‌مردی است که بیرق مبارزه را تنها و در تنگنا به دوش کشید و شجاعت تحسین‌برانگیزش، چشم بداندیشان و زمامداران خود را خیره کرد و بیگانگان را به تحیر واداشت. او پارسایی پایدار و بزرگواری ثابت‌قدم بود که لحظه‌ای با استبداد و استعمار سازش نکرد و در تمامی مدت عمرش، ساده زیستی، فروتنی، قناعت و به دور بودن از هرگونه رفاه‌طلبی را شیوه زندگی خویش قرارداد و با عبادت و دعا و راز و نیاز باخدا، کمالات معنوی را کسب کرد.

# شجاعت مدرس

دوست و دشمن، به شجاعت مدرس معترف بودند. رضاشاه، قلدری بود که قدرتمند و ضعیف، رجال مملکتی و مردم عوام از او می‌ترسیدند و بی‌رحمی او زبانزد خاص و عام بود. بااین‌حال، مدرس بدون هیچ ترس و واهمه‌ای در برابر او می‌ایستاد.

حسین مکی درباره برخورد مدرس باکسانی که به خانه وی می‌آمدند، چنین می‌نویسد:

اشخاص تازه‌وارد اگر از طبقات پایین بودند، مدرس احترام بیشتری می‌کرد و هرقدر از طبقات بالاتر وارد می‌شدند، کمتر تعارف معمول را می‌نمود. اگر می‌خواست به کسی تعارف زیادتری کرده باشد، مثلاً شاهزاده نصرت الدوله واردشده بود و مدرس می‌خواست به او تعارف کند؛ می‌گفت: شاهزاده یک چای برای خودشان بریزند. شاهزاده نصرت الدوله یا رجالی نظیر این‌ها که این تلطف را از مدرس می‌دیدند، برخاسته از چای سبز که مخصوص مدرس بود، فنجانی ریخته و صرف می‌نمودند.

مدرس نسبت به بزرگ‌ترین قدرت، چنان بی‌اعتنا بود که یکی از نامزدهای نمایندگی مجلس برای تبلیغات خود، در روزنامه چنین نوشته بود: در منزل مدرس بودم که او به من چای داد و من خوردم.

# زهد و قناعت

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته آیت‌الله مدرس، وابستگی و دل‌بستگی نداشتن به مادیات بود؛ وی بارها گفته بود: علت اینکه می‌توانم به‌راحتی و بی‌رودربایستی حرفم را با رجال کشوری و لشکری بزنم، عدم دل‌بستگی به امور مادی است.

عبدالله مستوفی که از نزدیک با آیت‌الله مدرس آشنا بود و به خانه وی رفت‌وآمد می‌کرد، زندگی مدرس را این‌گونه توصیف می‌کند: خانه مدرس در آخر کوچه بن‌بست بود که دارای یک اتاق، جهت بیرونی (ملاقات) و یک اتاق دیگر برای سکونت زن و فرزندش بود. اتاق بیرونی، کاه‌گلی و فرش آن‌یک دست نمد نازک و میان فرش، گلیم راه‌راه فرسوده‌ای بود. یک منقل با دو قوری و یکی دو استکان کوچک، با قاشق برنجی پوست‌پیازی و نعلبکی چینی و کاسه تنباکو و قلیان و دو سه ظرف خاکستر سیگار حلبی برای واردین، اثاثیه اتاق را تکمیل می‌کرد. در دسترس سید بزرگوار، یک کوزه بزرگ برای عوض کردن آب قلیان و یک تنگ سفالی برای آب خوردن و یک‌کاسه بدل‌چینی هم بود.

لباس سید، پیراهن متقال یا کرباس و در تابستان، چلوار بود. در اواخر، شاه، تولیت و تدریس مدرسه سپه‌سالار را هم به مدرس داد. حق‌التدریس مدرس، وجه قابل‌توجهی بود، ولی سید از آن استفاده نمی‌کرد. بنابراین، در زندگی شخصی او تفاوتی حاصل نشد. فقط چیزی که اضافه شد آن‌هم به‌واسطه زیادی رفت‌وآمد در خانه یک قالی سه در چهار و یک نوکر بود. نوکر مثل رفیق در محضرش می‌نشست، به‌طوری‌که معلوم نبود نوکر است یا از راه ارادت به سید بزرگوار خدمت می‌کند.

# سیاست مدرس

مدرس، شخصیتی بسیار هوشمند و زیرک بود و اطرافیان و رجال مملکتی را به‌خوبی می‌شناخت. کوچک‌ترین حرکتی که از کسی می‌دید یا سخنی می‌شنید، به عمق اندیشه وی پی می‌برد. او از مخالفان سرسخت قرارداد وثوق‌الدوله با انگلیس بود. وقتی جمله اول قرارداد را برایش خواندند، او به‌روشنی به اصل قرارداد پی برد.

# حاضرجوابی مدرس

مدرس در حاضرجوابی، کم‌نظیر بود. بدون اندیشیدن، چنان زیبا و ادیبانه پاسخ می‌داد که موجب تحیر می‌شد. حاضرجوابی‌های او چنان جالب‌توجه بود که اگر کسی در مجلس، در میان سخنرانی کسی جمله‌ای می‌گفت و صدا به همه نمایندگان نمی‌رسید، گفته مدرس را از یکدیگر جویا می‌شدند.

# فقر و اختلافات طبقاتی

موضوعات فقر، بیکاری و اختلاف طبقاتی ازجمله مباحثی است که اهمیت آن‌ها در هیچ دورانی و توسط هیچ‌یک از جریان‌ها و نظام‌های سیاسی قابل‌انکار نبوده و نیست. هر گروه و یا نظام سیاسی و یا تفکر سیاسی خواه‌ناخواه، چه اینکه این موضوعات جزئی از علائق اصلی‌اش باشد یا نباشد مجبور است موضع خود را در قبال این مسائل تشریح نماید. این موضوعات گاه به‌قدری اهمیت می‌یابند که توسط جریان یا گروهی سیاسی به‌عنوان هدف اصلی و محوری یک حرکت سیاسی معرفی می‌شوند و اساس فعالیت هواداران آن‌ها در دست گرفتن قدرت جهت مبارزه با فقر، بیکاری و اختلافات طبقاتی است

گهگاه نیز سیاستمداران با بررسی شرایط یک جامعه با دستمایه قرار دادن موضوعات مربوط به فقر و نابرابری سعی در به دست آوردن قدرت می‌کنند اما آنچه ساختار و موضع واقعی نظام سیاسی  را نسبت به موضوعات فقر و نابرابری در جامعه ترسیم می‌کند قدرتی است که پشت سر نظام سیاسی ایستاده است. در نظام‌های انتخاباتی اشخاص یا نهادهای اقتصادی و قدرتی که از انتخاب یک فرد پشتیبانی می‌کنند انتظار دارند که منافع و اهدافشان تأمین گردد. تشکیل نهادهایی مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد در این زمینه می‌تواند از خواست‌های توده مردم دفاع نماید و اهداف جمعیت اکثریت را در جامعه پوشش دهد. برعکس در جامعه‌ای که نهادهای قدرت و اعمال پشتیبانی از جریانات یا افراد سیاسی که خواست‌های اکثریت را دنبال کند وجود نداشته باشد صاحبان زر و زور و قدرت به‌عناوین‌مختلف سعی در به قدرت رساندن افرادی خواهند داشت که منافعشان را تضمین نمایند.

# تأثیر افزایش اختلاف طبقاتی برافزایش جرم و بزهکاری

 فقر مقوله‌ای است که با عمر تاریخ زندگی انسان قرین بوده و در هر برهه از زمان به نحوی با آن برخورد شده است. پدیده فقر که از دیرباز با انسان بوده یکی از مسائل اساسی و رایج جوامع و فرهنگ‌های شناخته‌شده بشری را تشکیل می‌دهد. با صنعتی شدن کشورها به نظر می‌آمد که این معضل نیز برطرف می‌شود، اما چنین نشد و در سال‌های اخیر این مسئله افکار جوامع بشری و به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه را بیشتر به خود مشغول کرد.

از طرف دیگر رسیدن به توسعه و سازندگی در یک کشور یا منطقه، مستلزم شناسایی و اندازه‌گیری میزان فقر در آن کشور یا منطقه و سپس اتخاذ راه‌هایی برای از بین بردن آن است. آنچه مسلم است پس از فقرزدایی، قدرت خرید و موقعیت اقتصادی افراد به‌طور متوسط در آن منطقه افزایش می‌یابد، ولی در صورت بی‌توجهی به فقر، گسترش آن برای منطقه مخاطره‌آمیز بوده و به افزایش اختلاف طبقاتی منجر خواهد شد.

مسئله فقر و نابرابری اجتماعی دو واژه مکمل هم هستند. در هر جامعه‌ای برای ارزیابی و چگونگی تشخیص آن باید به دو نکته توجه کرد. یکی اینکه چند درصد جمعیت چند درصد درآمدها را عاید خود می‌کنند و دیگر اینکه شکاف درآمدی پایین‌ترین گروه نسبت به بالاترین گروه چقدر است، به‌عبارت‌دیگر متوسط درآمد خانوارهای پردرآمد چند برابر متوسط خانواده‌های کم‌درآمد است.  
فقر و نابرابری‌ها در جامعه ما پیامدهای خاص خود را دارد و نه‌تنها خود باعث بروز بحران می‌شود، بلکه بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی زمینه بروز بحران‌هایی از قبیل بحران مهاجرت، بحران حاشیه‌نشینی، بحران فرار مغزها، بحران آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از قبیل بحران طلاق، بحران اعتیاد، بزهکاری، فحشا، قتل، خشونت و انواع جرائم دیگر را فراهم می‌آورد.

# دعا

خدایا قلب‌های ما را به نور ایمان و معرفت خودت منور بفرما. خدایا ما را از وسوسه‌های شیطان دور بدار. به ما توفیق تهذیب نفس و تکمیل اخلاق عنایت بفرما. خدایا ما را همواره متذکر مرگ و عوالم پس از مرگ بدار خدایا سلام‌های خالصانه ما را به محضر بقیه‌الله ابلاغ بفرما ارواح طیبه شهدا را و روح مطهر امام روح مطهر آیت‌الله مطهری یادگار امام و اموات و گذشتگان و علمای گذشته را با اولیای خودت محشور بفرما باران رحمت و برکتت را بر ما فرو بفرست خدایا به ما توفیق اطاعت خودت و دوری از معصیت عنایت بفرما خدایا شر دشمنان اسلام را به خودشان بازبگردان خدایا به همه خدمتگزاران به اسلام به معلمان و مربیان جامعه و به‌ویژه به مقام معظم رهبری توفیق و طول عمر و توفیق خدمت عنایت بفرما خدایا بار دیگر از تو می‌خواهیم سلام‌های خالصانه ما را به محضر امام باقر و حضرت امام زمان (عج) ابلاغ بفرما به ما توفیق استفاده از این فرصت‌های معنوی و دعا و عبادت و نیایش عنایت بفرما بر فرج امام زمان تعجیل بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-3)